Original Article Open Access



Child Rights Journal

2022; 3(12): 39-48

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

The Role of the Media in the Delinquency of Children and Adolescents and the Explanation of Prevention Strategies in the Light of Developmental Criminology Theory

Mohsen Aghaie [1]

1. Department of Children and Adolescents Criminal Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Today, the media in different formats dominates the lives of people, especially children and teenagers, and attracts children by highlighting attractive points. This study was conducted with the aim of investigating the role of the media in the realization of juvenile delinquency and investigating preventive solutions in the light of developmental criminology theory.

Method: The present study was carried out using library resources and descriptive-analytical method.

Results: As a double-edged sword, the media can play a positive or negative role, as well as in some cases a passive role and ruining free time in the mental form of people, and has a great impact by creating a sense of Identification in people, especially at a young age, in creating a delinquent center and pushing children to accept delinquent roles or the victimization. perhaps the association of some points that in the past pushed a person from the circle of innocence to delinquency and the reproduction of it through the media and the creation of a context for delinquency, make him seek his first in other dimensions according to the sense of curiosity, especially in children and teenagers, makes them determined and puts them in the trap of crime.

Conclusion: By conducting a field study and using developmental criminology tools and investigating different periods of life in children and adolescents and investigating the degree of overcoming and resisting sensual desire in different age periods, we can get rich resources for making correct decisions in knowing the situations that lead a person to delinquency and after that, a proper orientation was achieved towards these platforms and in preventing and eliminating delinquent domains and finally, the appropriate criminal prescription with the guarantee of efficient implementation succeeded in creating a safe environment for children.

Keywords: Developmental Criminology; Media; Crime; Children and Adolescents

Corresponding Author: Mohsen Aghaie; **Email:** Mohsen.aqaiee@yahoo.com

Received: October 22, 2021; **Accepted:** January 4, 2022

Please cite this article as:

Aghaie M. The Role of the Media in the Delinquency of Children and Adolescents and the Explanation of Prevention Strategies in the Light of Developmental Criminology Theory. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 39-48.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد

فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۴۸-۳۹

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

نقش رسانه در بزه‌کاری کودکان و نوجوانان و تبیین راهکارهای پیشگیری در پرتو نظریه جرم‌شناسی رشدمدار

محسن آقایی[۱]

۱. گروه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه رسانه‌های جمعی در قالب‌های متفاوتی زندگی افراد خصوصاً کودکان و نوجوانان را تحت سیطره خود داشته و با درشت‌نمایی نقاط جذاب، کودکان را به سوی خود جلب می‌نمایند. این مطالعه با هدف بررسی نقش رسانه در تحقق بزهکاری نوجوانان و بررسی راهکارهای پیشگیرانه در پرتو نظریه جرم‌شناسی رشدمدار، انجام یافت.

روش: مطالعه حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است.

یافته‌ها: رسانه می‌تواند به مثابه یک شمشیر دولبه نقش مثبت یا منفی و همچنین در مواردی نقش منفعلانه و تباه‌سازی اوقات فراغت را در کالبد روانی افراد ایفا نماید و با ایجاد حس همزادپنداری در افراد خصوصاً در سنین پایین در ایجاد کانون بزه و سوق طفل به پذیرش نقش‌های بزه‌کارانه و یا بزه‌دیدگی، تأثیر فراوانی داشته باشد، چه بسا تداعی برخی نقاطی که در سابق، فردی را از دایره عصمت به سمت بزه‌کاری رانده و بازنمایش آن از طریق رسانه و ایجاد زمینه بزه‌کاری، او را در طلب نخستین خود در ابعاد دیگری با توجه به حس کنجکاوی خصوصاً در کودکان و نوجوانان مصمم سازد و وی را در دام تبهکاری قرار دهد.

نتیجه‌گیری: با مطالعه میدانی و به کارگیری ابزار جرم‌شناسی رشدمدار و بررسی دوره‌های مختلف زندگی در کودکان و نوجوانان و تفحص در میزان غلبه‌پذیری و مقاومت بر خواست نفسانی در دوره‌های مختلف سنی می‌توان به منابعی غنی جهت تصمیم‌سازی صحیح در شناخت بزنگاه‌هایی که فرد را به دامن بزه می‌کشاند و به دنبال آن، جهت‌گیری مناسب در قبال این بسترها دست یافت و در پیشگیری و از بین‌بردن دامنه‌های بزه و نهایتاً تجویز کیفری مناسب با ضمانت اجرای کارآمد، بر ایجاد فضای امن برای کودکان فائق آمد.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی رشدمدار؛ رسانه؛ بزه‌کاری؛ اطفال و نوجوانان

نویسنده مسئول: محسن آقایی؛ **پست الکترونیک:** Mohsen.aqaiee@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Aghaie M. The Role of the Media in the Delinquency of Children and Adolescents and the Explanation of Prevention Strategies in the Light of Developmental Criminology Theory. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 39-48.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

مقدمه

پاک‌ترین و مظلوم‌ترین قشر جامعه کودکانند و پرداختن به حقوق این قشر و بررسی گریزگاه‌های بزه و ارائه راهکار جهت تحقق منافع عالیه آن‌ها در راستای رویکردی صحیح و صواب، ملاکی از توسعه‌یافتگی یک ملت است. یکی از پدیده‌هایی که حقوق کودکان و رشد و سلامت آنان را با چالش مواجه می‌نماید، رسانه است. تأثیرات رسانه بر کودکان و نوجوانان مقوله‌ای است که توجهی جدی در ساحت‌های مختلف می‌طلبد. در حوزه جرم‌شناسی، رسانه می‌تواند به عنوان یکی از متهمین اصلی زمینه‌سازی گرایش به بزه و بزهکاری در رابطه با اطفال و نوجوانان قلمداد گردد.

ما در این مقاله به دنبال روشن‌ساختن بزنگاه‌هایی از ارتکاب بزه می‌باشیم، به گونه‌ای که با ارائه راهکار صحیح در امتداد رشد کودک، از ابتلای او به آسیب‌های مختلف و انحرافات ناشی از آنکه هر یک می‌تواند زمینه‌ای جهت بزه‌کارشدن فرد باشد، جلوگیری نماییم؛ به علاوه با تأکید بر تأثیرات مثبت و منفی رسانه‌ای به بررسی موضوع بزه‌کاری کودکان و نوجوانان می‌پردازیم و الگوهای نهایی خود را با اتکا به نظریات جرم‌شناسی رشدمدار ارائه خواهیم کرد.

روش

مطالعه حاضر از نوع نظری است و به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از روش بحث توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده است.

یافته‌ها

به طور کلی کودکان و نوجوانان را در ارتباط با رسانه می‌توان تحت سه محور کلی مورد بحث و بررسی قرار داد: ۱ـ بررسی بزه‌کاری کودک به عنوان عامل رسانه‌ای؛ ۲ـ بررسی بزه‌کاری کودک به عنوان تیتر رسانه‌ای؛ ۳ـ بررسی بزه‌کاری کودک به عنوان مخاطب رسانه‌ای.

در ادامه به تفصیل، جهت تعیین جایگاه کودک در بستر رسانه و احراز نقاط مخاطره‌آمیز برای کودکان، موارد فوق را بررسی خواهیم نمود.

در بررسی بزه‌کاری کودکان و نوجوانان در رسانه به عنوان یک عامل رسانه‌ای می‌توان به بحث کودک سلیبریتی اشاره کرد که در دهه گذشته به خصوص در رسانه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی، به طور فزاینده‌ای در حال گسترش است. در این پدیده کودک با جمع‌آوری قابل توجهی از مخاطبین به اعتماد به نفس کاذبی دست می‌یابد که همین مسأله می‌تواند اولین گام او در عرصه بزه‌کاری باشد (۱). این نحو از رفتارها را امروزه به وفور در شبکه‌های اجتماعی و به نحو افسار گسیخته‌ای شاهد هستیم. در این موارد افراد برای جذب مخاطب دست به کارهایی می‌زنند که عموماً از حد متعارف سنی آن‌ها خارج است و این تجربه می‌تواند حس کنجکاوی آن‌ها را در سایر زمینه‌های مشابه نیز برانگیزاند و خواسته یا ناخواسته با الگوبرداری مسری بین هم‌سن و سالان زمینه‌ای فراهم سازد که منجر به نشر و گسترش شیوه‌های بزه‌کاری کودکان گردد. در بسیاری از موارد کودکان با سپری‌شدن سن کودکی و یا جمع یا فیلترشدن بستر رسانه‌ای دچار تنش‌های روحی و افت شدید اعتماد به نفس شده که می‌تواند به فراخور موجب بزه‌کاری ثانویه با روی‌آوردن به ابزارهای دیگر همچون فیلترشکن و... گردد و موجب شود پا به عرصه‌ای گذارند که بزرگسالان نیز در برخورد با آن ناکامند و یا حتی در صورت عدم توانایی در ادامه راهی که قبلاً برای جذب مخاطب و حفظ اعتماد به نفس کاذب خود پیش گرفته‌اند، اقداماتی همچون خودکشی یا انهدام شخصیت را چاره خود ببینند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

در رابطه با بزه‌کاری کودک و تیتر رسانه‌ای بایستی به حوزه کاری خبرنگاری ورود کنیم. عمده ارتباط این بخش با بزه‌کاری کودک، بزه‌کاری مجدد یا ایجاد زمینه تکرار بزه‌کاری است. همانطور که بر کسی پوشیده نیست فعالین این عرصه در نشر اخبار گوناگون و بزرگ‌نمایی آن ید طولایی دارند. در برخی از این فعالیت‌ها کودکان و نوجوانان نیز در این دامنه قرار گرفته و موضوع تیتر خبری می‌شوند. در مواردی که کودکان بزه‌کار به عنوان رکن یک گزارش در یک بخش خبری به نمایش گذاشته می‌شوند، متأسفانه آن‌گونه که شایسته است، تمهیدات لازم جهت مبهم‌سازی تصویر و یا عدم رویارویی مستقیم در رابطه با کودکان چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ خصوصاً اگر گزارش در بستر شبکه‌های اجتماعی تدوین و منتشر گردد. همین مورد می‌تواند کودک را در آینده نه چندان دور با بازنمایی و یادآوری دوباره، مجدداً او را به بستر بزه بکشاند؛ با توجه به اینکه میزان مقاومت کودکان در برابر قوای شهوانی بسیار ضعیف و در مواردی به علت هیجانات بالا غیر قابل کنترل است، لذا رسانه‌ها بایستی اولاً با یک روان‌شناس و متخصص کودک در رابطه با اثرات ناشی از انتشار چنین گزارشاتی بحث و گفتگو کنند؛ ثانیاً از تیترهایی استفاده کنند که علیرغم از بین‌نبردن محل اصل برائت، موجب پیش‌داوری و حتی تداوم پدیده برچسب‌زنی مخاطب در مورد کودکان نگردند تا راه بازپروری و باز اجتماعی‌سازی کودکان بزه‌کار را مسدود نساخته و به دنبال آن امید جبران را از ذهن این افراد نزدایند، خصوصاً اینکه کودک بزه‌کار اهل منطقه‌ای باشد که جمعیت چندانی ندارد که همین مطلب می‌تواند او را از هر نوع بازپروری مجدد فرسنگ‌ها دور سازد. از طرفی بعد از کارشدن یک خبر رسانه‌ای و انتشار آن در فضای خبری دیگر کنترل آن خبر و از آن مهم‌تر محدوده زمانی انتشار آن چندان مشخص نیست و حتی کودک در صورت پشیمانی و بازپروری بعد از سال‌ها ممکن است در فضای مجازی با آن خبر مواجه گردد که خود این مطلب از موارد نقض اعاده حیثیت و آثار تبعی جرائم به شمار می‌آید؛ البته امروزه جستجوگران اینترنتی از جمله گوگل امکانی را فراهم ساخته‌اند و افراد با ارائه اسناد حاکی از برائت خود می‌توانند این‌گونه جستجوها را از دامنه نتایج خارج کنند که البته این امر تنها مربوط به ارائه جستجوهاست نه محتوای موجود در سایت‌های مختلف که بایستی به صورت موردی پیگیری و حذف گردد که با توجه به زمان‌بربودن چندان راه معقولی نیست، از جمله راهکارهایی که در اینجا می‌توان ارائه نمود وجود یک سیر اطلاعاتی است که به هنگام انتشار خبر، آن را قابل ردیابی سازد و بتوان در هر زمان برای حذف چنین اخباری در صورت اشتباه یا بازپروری و مرور زمان از آن استفاده نمود.

در بخش بزه‌کاری کودک به عنوان مخاطب رسانه که به فراخور می‌تواند وی را ابتدائاً به ورطه بزه‌کاری وارد سازد و یا اینکه فرد را در طلب پیشین خود مجدداً مصمم سازد، از مؤلفه‌هایی که زمینه‌ساز ارتکاب کودک است سخن خواهیم گفت و در ادامه به بیان راهکارهایی البته مطابق با الگوهای جرم‌شناسی رشدمدار خواهیم پرداخت.

در سال‌های اخیر پروژه‌های رسانه‌ای به جهت کسب منافع شخصی به سمت تجاری‌سازی سوق یافته تا جایی که ناهنجاری‌های زیادی در قالب‌های پرخاشگری، عصیان، خشونت، قانون‌شکنی، عیاشی و شهوت‌راتی به وفور در محصولات رسانه‌ها به چشم می‌خورد، بدون اینکه تدابیر خاصی برای کودکان در نظر داشته باشند، چراکه کودکان در سنین پایین‌تر درک صحیحی از تفاوت بین رسانه‌ها و آثار تبلیغاتی با سایر رسانه‌ها ندارند و به سرعت با الگوبرداری به تقلید رفتارهایی خواهند پرداخت که می‌تواند کنجکاوی آنان را در زمینه‌های دیگری برانگیزاند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

تقلیدگری کودکان را بعد از پخش یک نمایش از یک رسانه به وفور می‌توان به نمایش نشست، به طوری که حتی در دوران نوجوانی تطبیق بیشتر و تقلید منطبق‌تر با شخصیت‌ها، نوعی قدرت‌نمایی و ایجاد کانون توجه در میان همسالان خواهد بود که خود می‌تواند انگیزه‌ای برای تقلید، هرچه تمام‌تر این صحنه‌ها توسط کودکان و نوجوانان باشد.

اگرچه رسانه بیانگر صحنه‌های تصنعی یک واقعه است، اما باید اعتراف نمود در مواردی حتی بزرگسالان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بنابراین کودکان که شخصیتشان در حال شکل‌گیری است به راحتی در برابر این گزندها آسیب‌پذیر بوده و تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند و ممکن است همین موارد کودک را به سمت بزه سوق دهد.

البته همانطور که قبلاً هم اشاره گردید، رسانه می‌تواند در صورت وجود نظارت کافی و متناسب حتی گامی مؤثر در پیشگیری از وقوع بزه‌کاری به شمار رود که این امر در گرو به کارگیری الگوهای صحیح نظارتی است. «مرتن» جامعه‌شناس آمریکایی معتقد است که وسایل ارتباط جمعی آنقدر قوی است که می‌توان از آن در راه خیر و شر سود برد و عدم وجود نظارت باعث می‌شود جنبه شر آن بچربد (۲). در عصر رسانه تأثیر رسانه بر رفتار افراد خصوصاً کودکان که رفتار آینده‌شان در گرو چیزی است که از زمان کودکی آموخته و در ناخودآگاه خود ضبط و نگهداری نموده‌اند، بسیار مهم و قابل اعتناست. از دیدگاه «بارت» رسانه‌ها سبب می‌شوند تا برخی مفاهیم و دیدگاه‌ها در جامعه، عادی و متعارف جلوه کند و در نتیجه قبح خرده‌فرهنگ‌های القایی ضد هنجاری کم‌رنگ شده و در ادامه از بین برود (۳). در فرهنگ ایرانی اسلامی کودکان از جایگاه والایی برخوردارند و در رابطه با این مطلب گزاره‌های بسیاری در تاریخ و احادیث متفاوتی در سیره معصومین (س) به چشم می‌خورد و با اعتنا به این ملاکات رفتاری خانواده‌ها کودکان خود را از دامن بزه‌کاری دور نگاه می‌داشتند. به عنوان مثال حضرت علی (ع) در رابطه با الگوبرداری می‌فرمایند: «مَنْ تَشَبهَ بَقَوْم إِلا أَوْشَکَ أَنْ یکُونَ مِنْهُمْ؛ کمتر می‌شود کسی خود را به قومی شبیه سازد و اندک‌اندک از آن‌ها نشود» (۴)؛ اما باید اعتراف کرد که امروزه رسانه در موارد بسیاری توانسته جایگزین هدایت‌های تربیتی خانواده‌ها شود و با تغییر تدریجی فرهنگ و القای مفاهیم ناصواب، زمینه‌ای را در بارآوری بزه‌کاران آینده رقم بزند. از طرفی دوره‌های مختلف زیستی کودکان مصادف است با خواسته‌هایی که در هر دوره به دنبال ارضای آن برمی‌آیند. حال اگر در هر دوره خانواده و رسانه که نقشی پررنگ در حمایت از کودکان دارند، زمینه صحیح و راه درست را نمایان نسازند، چه بسا کودک قدم در راه ناصوابی بگذارد تا بدان وسیله به هدف غایی خود دست یابد. فرض کنید فردی را که بدون تحقیق و آسیب‌شناسی در یک مجموعه نمایشی به صرف ترجمه آن و به تعبیری دوبله محض، آن را در اختیار کودکان قرار می‌دهد و چه بسا با تشویق و قهرمان‌سازی از این شخصیت به دنبال القای یک اثر مثبت و پسندیده باشد، اما غافل از اینکه در جای دیگر این شخصیت به کارهای ناهنجار هم پرداخته باشد که کودک با ایجاد یک الگوی تمام‌عیار در ذهن خود با تقلید از سایر نمایش‌های این شخصیت می‌تواند قدم در عرصه‌ای بگذارد که چه بسا خرق یک هنجار یا نقض یک قاعده اخلاقی باشد و قبح عمل انجام‌شده را در نظر کودک کم‌رنگ نماید.

با توجه به مطالب فوق، در عرصه رسانه و بزه‌کاری اطفال از جمله نظریاتی که می‌تواند به کنترل این اوضاع نابسامان بپردازد نظریه جرم‌شناسی رشدمدار است. جرم‌شناسی رشدمدار ارتکاب جرم را در روند زندگی شخص مورد مطالعه قرار می‌دهد (۵). این نحوه مطالعه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

با توجه به سن تأثیرپذیری افراد در برابر بزنگاه‌های ارتکاب بزه، راهکارهایی را ارائه می‌نماید (۵). از جنبه دیگر، در این روش با بررسی آمایش‌ها و گزارشات مقطعی در هر یک از سنین می‌توان به نتایجی دست یافت که به طور مستقیم و غیر مستقیم در بزه‌کاری یا شکوفایی استعداد بزه‌کاری در کودکان مؤثر است.

این نوع از مطالعه جرم‌شناسی که بیشتر به مطالعه جنبه‌های سنی با توجه به جامعه‌پذیری افراد در سنین متفاوت می‌پردازد، بایستی در مقاطع جامعه‌پذیری افراد با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال کودک در خانواده، مدرسه، جمع همسالان و محیط محلی خود روند جامعه‌پذیری را تجربه می‌کند و با کمی تأمل می‌توان دریافت که رسانه همواره پای ثابت این محافل است. از بستر خانواده گرفته تا مدرسه و محیط پیرامون کودک همه و همه مؤثر از این مؤلفه مهم‌اند. در زیر به برخی از زمینه‌های مدیریت‌شده رسانه‌ای که به منظور القای الگویی خاص به کودکان مهیا شده است، اشاره خواهیم کرد:

۱ـ به نمایش‌گذاشتن آزادی مطلق کودکان در برخی نمایش‌ها مثل فیلم «شهر در دست بچه‌ها» و «انیمیشن پیتر پن (Pan & Wendy Peter)» که می‌تواند به خیال‌پردازی و در کنار آن به فرمان‌ناپذیری کودکان و همچنین ترویج خشونت علیه والدین منجر گردد.

۲ـ لوکس‌گرایی که منجر به پدیدآمدن زمینه‌های سرقت می‌گردد. مجموعه «دیانا و روما (Diana & Roma)» که بسیار در نسل جدید رایج شده است یکی از این مجموعه‌های نمایشی است که در پرورش کودک پرتوقع و تجمل‌گرا بسیار اثرگذار است.

۳ـ ترویج اعتقاد به شانس که خود منجر به گرایش به سمت قمار می‌شود، مثل انیمیشن «قمارباز (Kakegurui)».

۴ـ ترویج و بی‌اهمیت نشان‌دادن برخی جرائم که منجر به بی‌مبالاتی افراد نسبت به این موارد می‌گردد، مثل «مولان» و «بچه رییس (Boss Baby)».

۵- کم‌رنگ نشان‌دادن خانواده و اصول خانواده محور، مثل «پسر شجاع (Don Chuck)»، «بل (Belle)»، «میشل‌ها علیه ماشین‌ها (The Mitchells vs the Machines)».

۶ـ ترویج فرهنگ بدحجابی و به دنبال آن بی‌حجابی، مثل انیمیشن «شجاع (Brave)».

۷ـ جلوه‌دادن و بزرگ‌نمایی لذات بعد از مصرف مخدرها و مستی‌جات، مثل انیمیشن «رییس مزرعه (Barnyard)».

۸ـ اثرگذاری مناسبات سیاسی و اعتقادی و دورکردن کودک از موضع انتخاب، مثل «سمپسون‌ها (The Simpsons)».

۹ـ ترویج پوچ‌گرایی و میل به خودکشی، مثل «عصر یخبندان (Age Ice)».

۱۰ـ ایجاد توهم و خیال‌پردازی افراطی که نهایتاً می‌تواند زمینه جرائم غیر عمد را فراهم سازد.

۱۱ـ دیکته‌کردن برخی الگوها در قریب به اتفاق انیمیشن‌ها.

۱۲ـ ترویج توهین به مقدسات، مثل «شجاع (Brave)»، «پارتلی کلادی (Partly Cloudy)»، «آپ (Up)»، «مولان»، «رایا (Raya and the Last Dragon)» و «بچه رییس».

۱۳ـ ایجاد روحیه تنوع‌طلبی جنسی و زمینه روسپی‌گری، مثل «میکی‌موس (Mickey Mouse)»، «دونالد داک (Donald Duck)» و عمده تولیدات شرکت «والت دیزنی».

۱۴ـ ترویج فیمینیسم و ایجاد فضای رقابتی بین جنس‌های مخالف، مثل انیمیشن «مونا (Moana)»، «زوتوپیا (Zootopia)»، «کورالین (Coraline)»، «شهر

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

اشباح (Spirited Away)»، «شجاع»، «مولان» و «فروزن (Frozen)».

۱۵ـ بلوغ زودرس که محصول عمده انیمیشن‌های غربی است.

۱۶ـ ایجاد روحیه پرخاشگری، مثل «کارخانه هیولاها (Monsters)».

۱۷ـ مدگرایی که می‌تواند بستری از جرائم مختلف را ایجاد نماید.

۱۸ـ ترویج همجنس‌بازی در انیمیشن «در یک تپش قلب» و «داستان اسباب بازی ۴» که حتی تصاویر آن را می‌توان روی کیف و دفتر کودکان دبستانی به وفور یافت.

۱۹ـ ترویج افکار و رفتارهای منفی و توجیه آنکه در انیمیشن «رالف خرابکار (Wreck-It Ralph)» به صراحت به آن پرداخته شده است.

۲۰ـ ترویج لذت بزه‌دیده‌شدن و میل به مورد سوء استفاده قرارگرفتن و بردگی در شخصیت اصلی انیمیشن «باب اسفنجی (Sponge Bob)» و بازی‌های «فال گایز»، «گلادوس» و «کِربی».

در ادامه به بیان برخی آمایش‌های صورت‌پذیرفته در زمینه رسانه و ایجاد زمینه بزه‌کاری و آثار آن خواهیم پرداخت.

تحقیقات نشان داده‌اند که اختصاص زمان زیادی از اوقات فراغت کودکان به رسانه، خصوصاً محصولاتی که حاوی صحنه‌های خشونت‌آمیز است، چه به طور مستقیم و چه به طور غیر مستقیم باعث افزایش رفتارهای پرخاشگرانه، به ویژه در پسران می‌شود (۸-۶). از طرفی نشان داده شده که تماشای تلویزیون بیش از ۳ ساعت در شبانه‌روز باعث افزایش مشکلات رفتاری در کودکان تا سن ۷ سالگی خواهد شد (۹). همچنین در بحث جرم‌شناسی رشدمدار که تأثیر مؤلفه سن در پدیده‌های مختلفی که ممکن است طفل یا نوجوان را به بستر بزه بکشاند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و با ارائه تدابیر مؤثر به درمان این معضل پرداخته می‌شود، می‌توان به عادت رسانه‌ای کودکان در سنین مختلف اشاره کرد که با توجه به طی فرایند تکامل، در هر مرحله از رشد با خطراتی مواجه است که البته از نظر مستندسازان و انیمیشن‌پردازان رسانه‌ای غربی مخفی نمانده و در هر مرحله با سوء استفاده از درجه‌بندی موجود در گروه‌های نظارتی زخم خود را بر روح لطیف کودکان وارد می‌سازند که این روند تغییر عادت در برخی مطالعات به اثبات رسیده است (۱۰). بررسی این نتایج نشان می‌دهد که اگر گفته شود برخی از رسانه‌ها از همین میزان محدود نظارت هم محرومند و با در اختیار قراردادن آن حتی به انگیزه آموزش، بازی و تعامل با خانواده باز هم بستری خواهد بود با تهدیدات شدیدتر در به چالش‌کشیدن آینده کودک، سخنی گزافه نیست (۱۱). همچنین طبق تحقیقات صورت‌گرفته، اعتماد به نفس بیش از حد کودکان در مراقبت از خود در این‌گونه فضاها می‌تواند بستری در ایجاد زمینه بزه‌کاری باشد و فرد را از دایره مصونیت خارج سازد (۱۲). در کنار این یافته‌ها برخی معتقدند که کودکان در روند رشد خود با مسائلی مواجه می‌شوند که همیشه پاسخ آن را از والدین خود نمی‌گیرند و این خلأ را با مراجعه به بستر رسانه و اینترنت پر می‌کنند. این نوجوانان رسانه‌ها را به عنوان منبع اصلی در دسترسی به برخی اطلاعات خود تلقی می‌کنند. در مدارس غربی این نحوه دستیابی به اطلاعات رتبه دوم را بعد از برنامه‌های آموزشی جنسی در مدارس دارند. این یافته‌ها تأثیر رسانه‌ها بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای جنسی را تأیید می‌کنند (۱۳). از سوی دیگر کودکان در سنین پایین‌تر، خصوصاً کودکان مهد کودکی، بسترهای تبلیغی رسانه را از سایر بخش‌ها مجزا به شمار نمی‌آورند و حتی در مواردی مفهوم فروش را هم نمی‌فهمند. آن‌ها

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

آنچه را از زرق و برق‌ها و تصاویر پرمبالغه تبلیغاتی به آنان القا می‌گردد را باور داشته و در صورت عدم مهیا نمودن کالای مورد نمایش توسط والدین، احساس محرومیت را تجربه می‌کنند و این حس در آینده آنان را به سمتی سوق خواهد داد تا محرومیت‌های دوران کودکی خود را با طرق سریع‌الوصول جبران نمایند. برخی مطالعات حاکی از آن است که کودکان زیر ۸ سال از لحاظ رشدی قادر به درک تفاوت بین تبلیغات و برنامه‌های معمولی نیستند (۱۶-۱۴). مضرات رسانه زمانی به اوج می‌رسد که مخاطبین از گروه کودکان محروم، مهاجرین، آسیب‌دیدگان عاطفی، کم‌توانان ذهنی و کودکانی باشند که در خانواده خود مورد سوء استفاده قرار گرفته و یا خانواده تنشی را تجربه کرده است. این دسته از کودکان معمولاً آسیب‌پذیرتر هستند و با اندک لغزشی به دامن بزه قدم می‌گذارند (۱۸-۱۷). اگر رسانه‌های مختلف و به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را هرچند به انگیزه آموزش، بدون هیچ نظارتی در دسترس کودکانمان قرار دهیم، مسلماً شاهد پیامدهای ناگواری خواهیم بود. فرض کنید برای آموزش شنا به یک کودک او را در استخری رها کنیم. در چنین مواردی نظارت دورادور کمکی به کودک نمی‌کند. رهاساختن کودک در دامن رسانه نیز این چنین است. چه بسا به طور تصادفی با طراحی‌های از پیش‌تعیین‌شده به سایت‌های پرنوگرافی دسترسی پیدا کند و افراد شیاد از طریق اتاق‌های گفتگو و ایمیل از کودک سوء استفاده‌هایی کنند که قابل جبران نباشد. این مراودات بستری را برای ترویج مبادلات جنسی، همجنس‌گرایی و هرزگی، قمار آنلاین، ترویج نفرت از اهداف خاص از پیش تعیین‌شده، خشونت، قلدر مآبی و... در آینده ایجاد می‌نماید. برخی تحقیقات در رابطه با بازی‌های رایانه‌ای افزایش میزان خشونت افراد به ۶۴ درصد را گزارش کرده‌اند. همچنین حدود ۶۰ درصد از این بازی‌ها برای ایجاد صحنه‌های خشونت در بازی پاداش و امتیاز در نظر می‌گیرند (۱۹).

در ادامه به بیان راهکارهایی می‌پردازیم که جرم‌شناسی رشدمدار و به دنبال آن پیشگیری رشدمدار برای این اوضاع نابسامان به ارمغان می‌آورد.

در گام اول بایستی با تشویق خانواده‌ها به بررسی رسانه‌ها و ایجاد زمینه آموزش همگانی و چگونگی سنجش ارزش آن‌ها به ارتقای آگاهی عمومی از این آسیب‌ها کمک کنیم و در گام بعدی به اقتضای سن این آموزش‌ها را برای گروه کودکان و نوجوانان در نظر بگیریم. این کار موجب می‌گردد که کودکان و نوجوانان محیط واقعی را از محیط‌های فانتزی بازشناسند (۲۰). بنابراین ارتقای سواد رسانه در تمام اعضای خانواده اعم از بزرگسالان، جوانان، نوجوانان و نونهالان می‌تواند حرکت خوبی در راستای از بین‌بردن زمینه‌های فسادساز رسانه‌ای در بُعد خود کنترل‌گری باشد. از دیگر تدابیر بعد از شناخت رسانه‌های سره از ناسره، قراردادن رسانه در یک مکان عمومی و مشترک با خانواده و آن هم با رمز ورود مشترک است. اغلب این مورد افراد را از مواجهه تصادفی با رسانه‌های سودجو حفظ می‌کند، به علاوه با به کاربردن زمینه‌های سرگرمی توسط والدین و سرپرستان نیز می‌توان میزان مراجعه اطفال به رسانه را تا حد زیادی کاهش داد. در سنین بالاتر می‌توان با روشن‌ساختن آسیب‌های ناشی از این رسانه‌ها و مشارکت‌دادن کودکان و نوجوانان در امور جایگزین و با لحاظ‌نمودن امور تشویقی تا حدودی از این زمینه‌ها کاست. از طرفی علاوه بر اقدامات خود مراقبتی در مواردی که یک رسانه به شکل عمومی فعالیت دارد می‌توان با به کارگیری متخصصان و روان‌شناسان مجرب حوزه کودک در مرکز پخش آن رسانه از تهدیدات ناخواسته نیز جلوگیری به عمل آورد، البته این نحوه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

نظارت در خانواده‌های کمتر برخوردار تا حدودی قابلیت اجرایی ندارد، چراکه والدین بیشتر وقت خود را خارج از منزل سپری می‌کنند و حتی نوعاً به لحاظ فرهنگی نوجوانان این گروه اطاعت‌پذیر نیستند، لذا برای پرکردن خلأهای موجود برای برون‌رفت از وضعیت نابسامان روحی تا حد شدیدی بدون هیچ نظارت و تمهیدات خودمراقبتی در معرض رسانه‌ها قرار دارند (۲۲-۲۱). از دیگر مواردی که در کنترل این دامنه‌ها می‌توان در نظر داشت استفاده از ابزارهایی است که به نوعی با توجه به سن افراد قابلیت فیلتر در شبکه‌های دریافتی را ایجاد می‌نماید که البته این موارد را نمی‌توان جایگزین نظارت مستقیم والدین و سرپرستان کرد. در کنار اقدامات تدوینی و لازم در زمان نمایش می‌توان به راهکارهایی اشاره نمود که نقش واسطه در بهبود و کاهش این زمینه‌ها را دارند. به عنوان مثال در صورت وجود یک بانک اطلاعاتی از اسامی و اثرات مخرب کارهای رسانه‌ای و در دسترس‌بودن برای عموم و یا حتی پزشکان و روان‌شناسانی که با نتایج عینی‌تر مواجه‌اند می‌توان نقش پررنگ‌تری در اطلاع‌رسانی ایفا نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله با توجه به آمایشات استنادی و بررسی‌های میدانی در تعدادی از محتواهای رسانه‌ای در اختیار کودکان، یافتیم که زندگی کودکان به شدت در سیطره رسانه‌های مختلف است. همچنین با مراجعه به الگوهای موجود در جرم‌شناسی رشدمدار دریافتیم که با در نظرگرفتن تمهیداتی و با شناسایی مواضع فسادزا در هر مقطع سنی می‌توان جلوی گسترش این زمینه‌ها را در سنین پایین‌تر گرفت و از بازتولید بزه‌کاران آینده جلوگیری نمود. آموزش، مدیریت، آگاهی‌بخشی، همراهی، عمومی‌سازی و جلب اعتماد از عمده راهکارهایی است که می‌توان در مقاطع سنی مختلف از منابع جرم‌شناسی رشدمدار استخراج و مورد استفاده قرار داد؛ به علاوه مواردی که کودکان به عامل رسانه‌ای و به موضوع و تیتر رسانه‌ای مبدل می‌گردند، از موارد مهمی است که می‌تواند زمینه لغزش آنان در آینده را فراهم آورد، خصوصاً اینکه قوانین مدون در عرصه رسانه در رابطه با به کارگیری کودکان در قاب رسانه بسیار پراکنده و نامنسجم است، به نحوی که در میان اهالی رسانه نیز چندان آشنا نیست و خود این قوانین نیز در بسیاری از موارد متناقض و مزاحم یکدیگرند که توضیح آن نیاز به فضای دیگری دارد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

References

1. Steeves V. Young Canadians in a Wired World, Phase III: Life Online. Ottawa, Ont: MediaSmarts; 2014.

2. Sheikhavandi D. Sociology of Deviance, Pathology of Society. Tehran: Marandiz Publishing; 1994.

3. Quinn W. Understanding Media Theory. translated by: Ghasemian R. Tehran: Saghi Publications; 2007.

4. Sharif Razi S. Nahj al-Balagha. Translated by Hasun. Np.: Nd.

5. Mohseni T. Criminology. Tehran: Imam Sadiq University (AS); 2015.

6. Comstock G, Strasburger VC. Deceptive appearances: Television violence and aggressive behavior. Journal of Adolescent Health Care. 1990 Jan 1;11(1):31-44.

7. Green RG. Television and aggression: Recent developments in research and theory. Edited by Zillman D, Bryant J, Huston AC. Media Children and the Family: Social, Scientific, Psychodynamic and Clinical Perspectives. Hillsdale: Lawrence Erlbaum; 1994.

8. Houston AC, Donnerstein E, Fairchild H, Feshback ND, Katz PA. Big World, Small Screen: The Role of Television in American Society. Lincoln: University of Nebraska Press; 1992.

9. Parkes A, Sweeting H, Wight D, Henderson M. Do television and electronic games predict children's psychosocial adjustment? Longitudinal research using the UK Millennium Cohort Study. Archives of disease in childhood. 2013. 1; 98(5): 341-8.

10. Gutnick AL, Robb M, Takeuchi L, Kotler J. Always Connected: The New Digital Media Habits of Young Children. New York, N.Y: The Joan Ganz Cooney Center at Sesame Workshop; Nd.

11. Brisson-Boivin K. The Digital Well-Being of Canadian Families. Ottawa, Ont: MediaSmarts; 2018.

12. Steeves V, McAleese S, Brisson-Boivin K. Young Canadians in a wireless world, phase IV: Talking to youth and parents about online resiliency. MediaSmarts. Ottawa; 2020.

13. Brown JD, Greenberg BS, Buerkel-Rothfuss NL. Mass media, sex, and sexuality. Adolescent medicine (Philadelphia, Pa.). 1993 Oct 1;4(3):511-2.

14. American Academy of Pediatrics, Committee on Communications Children, adolescents and advertising. Pediatrics. 2001; 107: 423-426.

15. Atkin CK. Television advertising and socialization to consumer roles. Edited by Pearl D, Bouthilet L, Lazar J. Television and Behavior: Ten Years of Scientific Progress and Implications for the Eighties. Rockville: National Institutes of Health; 1982.

16. Liebert RM, Sprafkin JN. The Early Window: Effects of Television on Children and Youth. 3rd ed. New York: Pergamon Press; 1988.

17. Johnson JG, Cohen P, Smailes EM, Kasen S, Brook JS. Television viewing and aggressive behavior during adolescence and adulthood. Science. 2002; 295(5564): 2468-71.

18. Josephson WL. Television Violence: A Review of the Effects on Children of Different Ages. Ottawa: National Clearinghouse on Family Violence; 1995.

19. Walsh DA, Gentile DA. A validity test of movie, television, and video-game ratings. Pediatrics. 2001; 107(6): 1302-8.

20. Villani S. Impact of media on children and adolescents: A 10-year review of the research. Journal of the American Academy of child & adolescent psychiatry. 2001; 40(4): 392-401.

21. Katz VS, Gonzalez C, Clark K. Digital inequality and developmental trajectories of low-income, immigrant, and minority children. Pediatrics. 2017; 140(Supplement_2): S132-6.

22. Montgomery KC, Chester J, Milosevic T. Children’s privacy in the big data era: Research opportunities. Pediatrics. 2017; 140(Supplement_2): S117-21.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.